



۲۰۱۴/۳/۱۱



جليل غنى

## رد پای کرزی

با درگذشت مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری به روز یکشنبه نهم مارچ ۲۰۱۴، آقای کرزی یکی از همکاران، معاونین، مشاورین و حامیان عمده دوره ریاست جمهوری اش را از دست داد. درین که قسیم فهیم یکی از چهره های جهادی و با نفوذ ترین عنصر در صحنه سیاسی و نظامی افغانستان بود و نقش عمده ای در تصمیم گیری های ارگ ریاست جمهوری داشت، هیچ نوع شک و شبه ای وجود داشته نمی تواند و به قول داکتر امین فرهنگ یکی از وزرای سابق حکومت آقای کرزی که در مصاحبه ای با صدای امریکا گفت: «کرزی و فهیم در مسایل کلان با هم مشوره می کردند».

اینکه آقای کرزی جای فهیم را با چه کسی پر خواهد کرد سؤالیست که آینده به آن جواب خواهد داد. و اما آقای فهیم چگونه به این منزلت رسید؟

آقای کای آیدی نماینده سابق ملل متحد در افغانستان در کتابش تحت عنوان "مبارزه قدرت در افغانستان" آنرا توضیح داده است که محترمه فرزانه صافی در صفحه تبصره ها بر مضامین نشر شده در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين آنرا یاد آوری و نقل کرده اند. با نظری بر این اظهارات آقای کای آیدی برمی آید که آقای کرزی در انتخابات سال ۲۰۰۹ محض جهت بدست آوردن آراء و رسیدن به کرسی ریاست جمهوری آقای فهیم را انتخاب کرده بود. آنجا که آقای کای آیدی می گوید: "روز دیگر بازم با کرزی ملاقات کردم و برایش تصریح نمودم که " فهیم یک قاتل است"، کرزی ظاهراً قبول کرد، و برایش گفتم که " انتخاب فهیم به این سمت تاثیرات ناگوار و جدی روی روابط تان با جامعه بین المللی و کشورهای کمک کننده (دونر ها) خواهد داشت، شما چرا این خطر را قبول می کنید؟"

یکی از بدترین چهره های جنگسالار با یک ریکارد بد از وحشیگری، قساوت و بد رفتاری را به حیث معاون تان انتخاب کردید؟ شما چرا یک شخص را که باید از صحنه کنار زده می شد دوباره روی صحنه می آورید؟" و باز ادامه دادم " انتخاب فهیم به حیث معاون اول ریاست جمهوری نه تنها باعث رنجش جامعه بین المللی شده بلکه مردم افغانستان را که انتظار داشتند تا جنگسالاران و قانون شکنان از صحنه کنار زده خواهند شد و اداره بدست سیاستدان های پاک و جدید خواهد افتاد، مایوس و ناراض خواهد ساخت". کرزی مدعی شد که "فهیم بازی کن مهم در سیاست روز مره کشور خواهد بود، و هیچ نوع کنترول بالای کابینه نخواهد داشت و هیچ جای تشویش نیست" وی اضافه نمود که " فهیم به اندازه ای که شما می گوئید هم بد نیست؟؟؟".

من دیدگاه امریکایی ها را برایش تذکر دادم که می گویند " معاون اول رئیس جمهور فقط یک تپش قلب از کرسی ریاست دولت فاصله دارد" اگر کدام اتفاق به رئیس جمهور بیافتد، این معاون اول خواهد بود که اداره تمام دولت را بدست بگیرد، و آنگاه این شخص یک مهره ضعیف خواهد ماند. کرزی با اعتراض به این سخن من، از قانون اساسی یاد آوری کرد و گفت: "در قانون اساسی تصریح گردیده که در صورت اتفاق افتادن واقعه ای که رئیس جمهور از فعالیت باز می ماند، در ظرف سه ماه باید انتخابات برگزار گردد" من در پاسخ به این مسئله گفتم " درست است که در قانون اساسی این موضوع تصریح یافته است، ولی من و شما خوب می دانیم که برگزاری انتخابات در افغانستان امروزی در ظرف سه ماه ممکن نیست و حد اقل یک سال را ضرورت خواهد داشت

برای روشن شدن مطلب اندکی به عقب بر میگردیم در زمانیکه تلاش ها برای تشکیل جبهه ای متحدی و یا هم آهنگی بین گروه ها فراهم گردد و زمانیکه شورایی از جریانات سیاسی در کابل تشکیل گردید تا راه های را برای توافق جناح های مطرح بر تعداد محدود کاندید ها جست و جو کند. در ان زمان آقای رشید دوستم اعلام نمود که " هر کسی که مقام معاونیت اول ریاست جمهوری را بما بدهد با او ائتلاف میکنیم" همین مقامی که آقای فهیم داشت. در نتیجه تفاهماتی که به وجود آمد بالاخره داکتر اشرف غنی احمد زی معاونیت اول ریاست جمهوری

را به آقای دوستم پیشنهاد نمود. ببینیم که چه تشابهاتی بین انتخاب آقای اشرف غنی احمد زی و آقای کرزی وجود دارد؟ آقای کرزی هم با تشویشی که از کمی آرای مناطق پشتون نشین در اثر نفوذ طالبان داشت، قسیم فهیم را با شهرت نا مطلوبی که در جامعه افغانی و بین المللی داشت به این سمت برگزید و از او تعریف و توصیف نمود. حتی در اعتراض به مخالفت جامعه بین المللی که "یک تپش قلب از کرسی ریاست دولت فاصله دارد" گفت مطابق به قانون اساسی افغانستان در سه ماه انتخابات جدید بر گزار خواهد شد. در اولین مناظره تلویزیونی کاندیدان ریاست جمهوری در حدود یک ماه قبل عین این سؤال با عبارت دیگری از داکتر اشرف غنی احمدزی شد که گفت "مطابق قانون اساسی افغانستان در سه ماه انتخابات جدید دایر خواهد شد"

ستر جنرال رشید دوستم که جا نشین مارشال قسیم فهیم خواهد شد با همان خصوصیات نظامی و شهرت نا مطلوبی که آقای فهیم در داخل و خارج کشور داشت، از طرف آقای احمد زی به حیث معاون ریاست جمهوری معرفی شده است.

با نظر مختصری بر ائتلاف ها، اتحاد ها، تغییر جهت ها و صف آرائی ها، که آقای دوستم چه در دوران اشغال افغانستان توسط قشون سرخ، چه در دوران حکومت نجیب الله و چه در دوره حکومت های تنظیمی و طالبان داشته، بعید به نظر نمی رسد که برای کسب قدرت بیشتر دست به اقداماتی بزند که منافع ملی افغانستان را به خطر مواجه سازد.

آقای دوستم طی بیانیه کوتاهی پس از معرفی به حیث کاندید معاون اول ریاست جمهوری از طرف آقای اشرف غنی احمد زی از آنچه در گذشته شده بود معذرت خواست و او و تیم آقای اشرف غنی احمد زی به این نظر هستند که دامن او از لکه های اعمال گذشته پاک گردید. اما آیا قربانیان و آسیب دیدگان نیز او و امثال او را خواهند بخشید؟ آیا با چنین تصویری خط بطلانی روی پروژه عدالت انتقالی که آقای کرزی مانع تطبیق آن شد و قربانیان اعمال خشونت بار گذشته به انتظار تطبیق آن در دوره بعدی هستند کشیده خواهد شد؟ آیا چسپیدن جنگ سالاران بر اریکه قدرت به این منظور نیست که باز هم مانع احقاق حقوق حقه و انفکاک ناپذیر مردم مظلوم افغانستان با تطبیق این عدالت شوند؟ و آقای دوستم تنها نیست که در صحنه رقابت های امروزی در افغانستان سر زبان هاست و هر یک یا کاندید ریاست جمهوری و یا به حیث معاونین کاندیدان حاضر به خروج از صحنه نیستند مگر اینکه ملت با آگاهی و تعهد به شایسته سالاری با رای خویش بتواند آنها را کنار بگذارد.

از آن مدت تا کنون پنج سال میگذرد و چنین معلوم می شود که هنوز هم همان روند و روش آقای کرزی و همان عبا و قبا و اتکا به قدرتمندان زر و زور دوام دارد و آنانی که دم از شایسته سالاری و لیاقت و کفایت و مردم سالاری و اصل حاکمیت ضوابط بر روابط می زدند و می زنند، هنوز هم در پی بدست آوردن کرسی ها و امتیازات و قدرت، بدون در نظر داشت آرزوی مردم در رسیدن به یک جامعه قانونمند و مرفه و عاری از زور گویان و جنگ سالاران و آسوده خاطر از ظلم و ستم هستند. نظری بر معاونین کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان بخوبی می رساند که هر یک از این کاندیدان سعی کرده اند به نحوی از انحا ترکیبات قبیله و عشیروی و مصلحت گرایی ها را از همین اکنون در نظر داشته باشند نه شایستگی و لیاقت و کارآئی حکومت های آینده.

اگر هدف کاندیدان ریاست جمهوری مشارکت در عملیه سیاسی افغانستان و سهم همه جریانات سیاسی در تشکل دولت آینده و تصمیم گیری در باره مسایل ملی و نمایندگی همه اقشار در دولت به حیث ممثل ترکیب اجتماعی افغانستان باشد، اشخاص نیک نام و شایسته ای هم در داخل جریانات سیاسی فعلی افغانستان وجود دارند که این کاندیدان محترم ریاست جمهوری می توانستند آنها را به حیث معاونین شان معرفی نمایند که هم از یک قشر جامعه افغانی نمایندگی می کردند و هم از یک جریان سیاسی موجود. تکیه بر چهره های شناخته شده ولی نه نیک نام نه تنها اشخاص برارنده و شایسته و کاردان را موقع نمی دهد تا با مفکوره های نو تر، پلان های گسترده تر متکی بر اقتضات عصر و زمان داخل کار زار شوند بلکه مشاور خوب و ورزیده ای برای شخص اول مملکت نیز بوده می توانستند. با چنین اقدامی کاندیدان محترم می توانستند نقش برارنده تری به جوانان بدهند. فقدان کاندیدان زن به حیث حتی معاون به استثنای محترمه حبیبه سرابی یکی دیگر از عقب گرائی های کاندیدان ریاست جمهوری است در حالیکه زنان دانشمند و مجرب در هر رشته و مسلکی در افغانستان هستند که باید به آنها موقع داده می شد.

انتظار میرفت پس از دوره کار آقای کرزی، مخصوصاً با کاندید شدن چهره های شناخته شده و تحصیل کرده که تعدادی از آنها به مدارج عالی تحصیلات در خارج از کشور هم رسیده اند، سعی گردد با حفظ ارزش های فرهنگی و معنوی اقوام و قبایل و عشایر افغانستان تلاشی در جهت ایجاد یک جامعه مترقی و شایسته سالاری و

تأکید بر ارزش های ملی بجای تکیه بر مسایل قومی و نژادی نمایند تا زمینه یک وفاق ملی و وحدت ملی فراهم ساخته شود و تمام اقوام و قبایل و عشایر و تبار ها به حیث یک کتله واحد فکر کنند و منافع و مصالح ملی را بر منافع شخصی و گروهی ترجیح دهند نه اینکه اشخاص را به حیث نماینده، حافظ و نگهبان منافع قومی و گروهی بر اریکه قدرت بنشانند. چنین انتخاب ها به حیث نمایندگان همان گروه خاص مثل دوازده سال گذشته عمل خواهند و نقش کلیدی در تصمیم گیری های دولت روی مسایل خواهند داشت و از دریچه منافع قومی و نژادی و سمتی و یا هم اعتقاد بر اصول و موازین گروه سیاسی خاص خود شان تصامیم را اتخاذ خواهند کرد چنانچه شیرازه یک وفاق ملی در دوازده سال گذشته گذاشته نشد و کاری برای تفاهم و وحدت ملی صورت نگرفت. مردم با انتخاب چنین افرادی توقعاتی هم از آنها دارند و در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی گذشته ملت افغانستان شاهد چنین جریاناتی بوده است. دساتیر غیر قانونی قدرتمندان برای برآورده ساختن تقاضا های نا مشروع رأی دهندگان و مردمان محلات شان، غصب ملکیت های عامه توسط این زورمندان، مراجعه صد ها وکیل پارلمان به دفاتر وزراء و شکایت وزراء از چنین مراجعات در جلسات علنی پارلمان، انحصار نمودن بورس های تحصیلی و قرار داد های عمده و امثال اینها همه و همه ناشی از اتکا به قدرتمندان بجای مردم، نا دیده گرفتن منافع ملی و حفظ وضع موجود به منظور حصول امتیازات از طرف دولت مردان بوده است.

پایان

---

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ